

مؤلفه‌های اخلاق عرفانی در اربعین حسینی

دکتر سیدرضا موسوی^۱

معین پورصادق^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۴

چکیده

خاستگاه اربعین، حبّ الهی و عشق به ولایت است. اربعین حسینی، خاستگاه اخلاق عرفانی و دلالت‌های تربیتی برای وصول سالک به حضرت حق است. اخلاق عرفانی، از جمله مباحثی است که توجه عالمان اخلاق را به خود معطوف کرده است. رویکرد اخلاق عرفانی در اربعین حسینی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی درصدد پاسخ به این سؤال است که مؤلفه‌های اخلاق عرفانی در اربعین حسینی چیست؟ یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که پس از قرآن کریم و سنت، اربعین حسینی، از مهمترین خاستگاه‌های «اخلاق عرفانی» است که اخلاص، بندگی، عشق به حضرت حق، وصال به محبوب، وحدت اجتماع مسلمین، توبه، ورع، زهد، صبوری، توکل، رضا، ذکر دائم، حب و بغض برای خدا را دربرمی‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: اربعین حسینی، اخلاق عرفانی، مؤلفه‌های اخلاق عرفانی.

۱. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرگان (نویسنده مسئول).

R3131393@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد گرگان. mnpoorsadegh@gmail.com

اخلاق عرفانی، شاخه‌ای از علم اخلاق است که به بررسی رابطه میان انسان با خدا می‌پردازد. تأمل در نسبت میان اخلاق و عرفان، برای عرفان‌پژوهان و پژوهشگران اخلاق از اهمیت شایانی برخوردار است (فنائی اشکوری، ۱۳۹۲: ۶۹). اخلاق عرفانی، شیوه‌نامه آراستگی به اخلاق الهی است و از دیرباز با رویکردی سلوکی - عرفانی، به وسیله عارفان ترویج شد. این نوع از اخلاق، مبتنی بر سیر و سلوک و کشف و شهود است که به مقیاس گسترده‌ای از کتاب و سنت بهره‌جسته و از هندسه معرفتی - باطنی برخوردار بوده و دارای مؤلفه‌هایی چون توحید، حُب، شهود، و تعهد است (رودگر، ۱۳۹۶: ۱۷۷).

هدف پژوهش حاضر، تبیین مؤلفه‌های اخلاق عرفانی در اربعین حسینی با تأکید بر آیات قرآنی (بقره/۵۱؛ مائده/۲۶؛ احقاف/۱۵؛ اعراف/۱۴۲) است. اربعین، به عنوان یک دوره تکامل مطرح است. خاستگاه برپایی مراسم اربعین در ماه صفر، شاید از روایت «علامات المؤمن» از امام صادق علیه السلام (طوسی، ۱۳۶۵: ۱۱۳) و امام حسن عسکری علیه السلام (مفید، ۱۴۱۳: ۵۳/۱؛ طوسی، ۱۳۶۵: ۲۳۶) باشد که ذیل آن، زیارت اربعین را از علامات مؤمن برشمرده‌اند.

«عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْعَسْكَرِيِّ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ صَلَاةُ الْخَمْسِينَ وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَ التَّحَنُّمُ بِالْيَمِينِ وَ تَغْفِيرُ الْجَبِينِ وَ الْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ مؤمن پنج نشانه دارد: اقامه ۵۱ رکعت نماز (مجموع واجبات و مستحبات)، و بسم الله الرحمن الرحيم را (در نماز) بلند گفتن، در سجده پیشانی بر خاک نهادن، و انگشتر عقیق در دست راست کردن، و زیارت اربعین» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۶/۹۸).

همانطورکه جوهره رسالت نبوی، قرآن و عترت است «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِينِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي» (هلالی، ۱۴۰۷: ۷۴۸/۲، ۶۳۶)، نماز ستون دین و زیارت اربعین و واقعه کربلا، ستون هدایت است. خلاصه آنکه رسالت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، تعلیم کتاب (حکمت) از یک سو، و تزکیه نفوس مردم از سوی دیگر بود، تا هم جاهلان را عالم نماید و هم گمراهان را هدایت کند (جمعه/۲). در نتیجه، جهل علمی و جهالت عملی را از جامعه بزداید. همین دو هدف، در متن زیارت اربعین سالار شهیدان تعبیه شده است؛



چنان که منشأ ددمنشی دشمنان نبوت، حب دنیا و شیدایی زرق و برق آن بود، چنانچه عامل مهم توخس منکران ولایت امامت نیز حب و دلباختگی به دنیا بود (جوادی آملی، ۱۴۰۰: ۲۲۱-۲۲۷). اربعین حسینی، مدرسه اخلاق قرآنی و عرفانی است، که می‌توان مؤلفه‌های اخلاق عرفانی و دلالت‌های تربیتی برای رسیدن به کمال مطلوب انسانی را از آن استخراج کرد. بدین منظور اولاً کاربرد اربعین در منابع قرآنی-تفسیری، احادیث و فرهنگ و تاریخ بررسی می‌شود، سپس در سایه درک عمیق از اهمیت آن، به بررسی مؤلفه‌های اخلاق عرفانی در اربعین حسینی می‌پردازیم.

پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه موضوع مقاله حاضر، حاکی از آن است که مؤلفه‌های اخلاق عرفانی در اربعین حسینی با تأکید بر آیات قرآنی، تاکنون کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. عربی (۱۳۹۸) در مقاله «پیاده روی اربعین حسینی؛ جایگاه و کارکردها»، پس از معرفی جابر به عنوان اولین زائر قبر امام حسین علیه السلام و بیان روایات استحباب زیارت پیاده، به بیان مسئله اصلی خود می‌پردازد. مقالات «بازکاوی چله نشینی در ساختار عرفان اسلامی ایرانی» (کوچکیان، ۱۳۹۶)، «فلسفه اربعین حسینی؛ زیارت و پیاده‌روی» (امانت حسین، ۱۴۰۱)، «منظر معنوی رویداد پیاده‌روی اربعین حسینی» (درودیان، ۱۳۹۷)؛ «پیاده‌روی اربعین حسینی، به مثابه جنبش اجتماعی» (غفاری هاشجین، ۱۳۹۷)، «بررسی تأثیر راهپیمایی اربعین حسینی در ترویج فرهنگ حسینی و تمدن شیعی» (اکوانی، ۱۳۹۹: ۱۳۲) و «چهل» (کرباسیان، ۱۳۹۸) اغلب با طرح بحث از روایات «علامات المؤمن خمس»، و روایات بیانگر اولین زیارت کننده اربعین یعنی جابر بن عبدالله انصاری تدوین شده‌اند. با بررسی متن و ارجاعات مقالات، مشخص شد که اغلب از مقاله «پیام اربعین در زیارت اربعین» (پاک‌نیا، ۱۳۸۸) تأثیر گرفته‌اند.

با بررسی مقالات «نظریه عرفانی اخلاق» (اشکوری، ۱۳۹۲)، «اخلاق عرفانی قرآن با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی» (الهی منش و حضوری، ۱۳۹۶)، «نظریه اخلاق عرفانی عطار نیشابوری» (مهدی پور، ۱۳۹۵)، «کنکاشی در اخلاق عرفانی امام خمینی (ره)»

(ملایوسفی، ۱۳۹۵) و «ماهیت و مؤلفه‌های اخلاق عرفانی» (رودگر، ۱۳۹۷)، مؤلفه‌های اخلاق عرفانی در اربعین حسینی استخراج شد. به عنوان نمونه رودگر (۱۳۹۷: ۱۸۵/۴۰) می‌نویسد: اخلاق عرفانی، دارای هویت و ماهیتی است که مؤلفه‌هایی مانند توحیدی بودن، عبودی بودن، عاشقانه بودن، تعلق، تخلقی و تحقق‌ی بودن، سلوکی بودن، شهودی و وصال‌ی بودن، وحدتی بودن، اجتماعی-سیاسی بودن... را دارا است. در صورتی که ملایوسفی و چگینی (۱۳۹۵: ۱۲۱/۷۰)، «نفس، فضیلت و سعادت» را به عنوان مؤلفه‌های اخلاق عرفانی ذکر می‌کند. بدین منظور در جستار حاضر، ضمن بیان چیستی اخلاق عرفانی و مؤلفه‌هایش، اهمیت و جایگاه اربعین نیز مطرح شد.

اربعین در قرآن کریم

الف) رشد کامل انسان در قرآن کریم در چهل سالگی بیان شده است: «... حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً» (احقاف/۱۵).

ب) حضرت موسی علیه السلام چهل روز با خداوند نیایش کرد تا تورات را دریافت کرد: «وَإِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فَنَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً» (اعراف/۱۴۲).

ج) مشیت الهی برای آزمایش قوم بنی اسرائیل، چهل روز غیبت پیامبرشان بود: «وَإِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ» (بقره/۵۱). عذاب قوم موسی علیه السلام، چهل سال سرگردانی در بیابان بود: «قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ» (مائده/۲۶).

طباطبایی (۱۳۷۸: ۴۷۹/۵) آورده است: خداوند به خاطر سرکشی آنان، چنین مقدر کرد که تا چهل سال نتوانند وارد آن شوند. البته برخی دلیل این چهل سال سرگردانی را تغییر نسل قبلی با نسلی جدید دانسته‌اند (ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۶: ۳۱۹/۶). برخی دیگر، عذاب چهل ساله را نتیجه روزهای گوساله پرستی می‌دانند (طبرسی، ۱۳۵۹: ۲۷۸/۶) که در این صورت باید بر نظریه‌ای که می‌گوید بنی اسرائیل روز را یک روز، و شب را روزی دیگر محاسبه می‌کردند، معتقد بود (میبدی، ۱۳۷۱: ۱۸۶/۱).

بنابراین حرمت نگاه نداشتن آنان بر چهل روز غیبت حضرت موسی علیه السلام، سبب شد

که چهل سال در عذاب بمانند. ولی علت تبدیل روز به سال، به خاطر کفران نعمت رهایی از ظلم فرعون و نعمت هایی که به آنها داده شده بود. اینکه گفتند ما همان پیاز و عدس خودمان را می خواهیم و با کمال جسارت نسبت به خدا و پیامبر خدا گفتند: یا موسی! تو و پروردگارت بروید [با آنان] بجنگید که ما در همین جا نشستیم: «قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَنُ نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَادْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ» (مائده/۲۲-۲۴). چون بنی اسرائیل، سخن ناروایی بر زبان جاری کردند، ورود به سرزمین مقدس تا چهل سال بر آنان حرام شد، و بنی اسرائیل از موسی عليه السلام خواستند که در میان شان بماند و از خداوند بخواهد تا توبه آنان را قبول کند. موسی عليه السلام گفت، همانطور که قبلا گفته ام به کیفر نافرمانی و اینکه گفتید با خدای خود برو و جهاد کن باید مدت چهل سال در این بیابان بمانید (بروجردی، ۱۳۶۶: ۱۹۰/۲).

مجلسی (۱۴۰۳: ۱۷۵/۱۳) معتقد بود که یهودیان به خاطر عدم رعایت ادب در برابر خداوند و موسی عليه السلام، دچار عذاب سختی شدند. آنها می توانستند با خواهش از خداوند و پیامبر خود بخواهند که اگر امکان داشته باشد راه را هموار کرده و ترس شان را بریزد. نه اینکه با لحنی جبارانه بگویند: هرگز وارد نخواهیم شد تا تو و پروردگارت بروی با جباران بجنگی و ما هم اینجا می نشینیم. گویی خدا و رسولش را نوکران خود پنداشته که حتی حاضر به کمک آنان نیز نبودند، بلکه معاذالله بدون تلاش می خواستند از آنها بهره کشی کنند. آنان چه زود فراموش کردند زورگویی ها و جنایات و ظلم های فرعون را و به جای روحیه شکرگذاری، روحیه طلب کارانه ای از خود بروز دادند. گویی انسان های مرفه و آقازادگانی بودند که موسی عليه السلام و خدایش آنان را به بردگی کشانده و از آن سرداران غیور برای فتح الفتوح و گسترش دامنه حکومت خود استفاده می کردند.

د) شیطان دستش را به صورت کسانی که به چهل سالگی برسند و از گناه توبه نکنند می کشد و می گوید: پدرم فدای چهره ای باد که هرگز رستگار نمی شود، در چهره این انسان نور رستگاری نیست. همچنین انسان لایق و با ایمان هنگامی که به چهل سالگی رسید سه چیز را از خدا تقاضا می کند: «حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً، قَالَ: رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَ

أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي؛ هنگامی که به رشد برسد و به چهل سالگی در آید، گوید: پروردگارا مرا توفیق ده تا شکر نعمتت را که بر من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای به جای آورم و اعمال صالحی انجام دهم که تو را خشنود سازد و فرزندانم را صالح کن» (أحقاف/۱۵). این تعبیر نشان می‌دهد که انسان با ایمان، در چنین سن و سالی، هم از عمق و وسعت نعمت‌های خدا بر او آگاه می‌شود و هم از خدماتی که پدر و مادر به او کرده است. چرا که در این سن و سال معمولاً خودش پدر یا مادر می‌شود، و زحمات طاقت‌فرسا و ایثارگرانه آن دو را با چشم خود می‌بیند، و بی‌اختیار به یاد آنها می‌افتد و به جای آنها در پیشگاه خدا شکرگزاری می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۲۹/۲۱).

ه) خدا در برابر کارهای نیک افراد چهل ساله، سه پاداش اساسی به آنان می‌دهد: ۱. بهترین اعمال آنها (یعنی واجبات و مستحبات) را می‌پذیرد، یا بر اساس بهترین اعمالشان به اعمال دیگرشان پاداش می‌دهد؛ ۲. از بدکاری‌ها و گناهان گذشته آنان می‌گذرد؛ ۳. آنان را در میان اهل بهشت جای می‌دهد. سن چهل سالگی، نقطه عطفی در زندگی بشر است و در احادیث آمده است که اگر کسی به چهل سالگی برسد و خیر او بر شرّ او غلبه پیدا نکند، برای دوزخ آماده شود. نیکوکاران چهل ساله، هم برای خود دعا می‌کنند و هم به پدر و مادر و فرزندان خویش، یعنی در دعاها خودمحمور نیستند و خدا نسبت به انسان‌های چهل ساله نیکوکار و توبه‌کار، عنایت خاصی دارد و بخشش گناهان، قبولی اعمال و بهشتی شدن، از پاداش‌های چهل سالگان نیکوکار است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۰۳/۱۹). چهل سالگی، قلّه توانمندی و رشد انسان است (قرائتی، ۱۳۷۴: ۳۴/۹).

و) بلوغ در چهل سالگی، عادتاً ملازم با رسیدن به کمال عقل است (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۳۰۵/۱۸؛ کاشانی، ۱۳۸۸: ۲۷۶/۵). برخی گفته‌اند رشد عقلی از ۳۳ سالگی شروع می‌شود. برخی نیز معتقدند از ۳۰ سالگی و نهایت آن چهل سالگی است، و آن زمانی است که بر پیامبران وحی نازل می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۴: ۱۴/۶).

ز) برای موسی عليه السلام سه اربعین ذکر شده است: اربعین میقات، اربعین شفاعت و اربعین ضراعت، که رفع طور در این اربعین بوده؛ در سفر خروج باب (۱۸/۲۴) می‌نویسد:

«و موسی به میان ابر داخل شده، به فراز کوه برآمد و موسی چهل روز و چهل شب در کوه ماند» (بلاغی، ۱۳۸۶: ۲/۲۶۹).

فلسفه اربعین

برخی اربعین را نوعی رمز از جانب پروردگار شمردند که هم در قهر و هم در لطف الهی به کار می‌رود مانند وعده چهل شب پروردگار با موسی علیه السلام برای نازل کردن تورات به او، و عذاب چهل ساله الهی برای قوم یهود (قرائتی، ۱۳۷۴: ۲/۲۷۳). عبادت در چهل شب و به دور از مردم، دارای آثار خاصی است که در دریافت وحی و الهامات روحانی نقش دارد (همان، ۱۱۵/۱). خدا وعده‌گاه‌ها و دوره‌های خاصی برای بندگان ویژه خویش دارد که در این دوره‌ها آنان را تربیت می‌کند و پرورش می‌دهد. در این میان، دوره‌های چهل روزه اهمیت ویژه‌ای دارند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱/۲۶۶، ۳/۱۶۲).

عدد چهل در سیر و سلوک به سوی خدا دارای اسراری است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۷/۲۲۸). خلوص قلب و اخلاص عمل و جوارح در چهل شبانه‌روز و پرهیز از لغزش و گناه، سبب صفای روان و بهره‌وافر از فیوضات معنوی خواهد شد (حسینی همدانی، ۱۳۸۰: ۷/۱۴). گاهی خود عدد چهل، موضوعیت دارد و خواص آن در جایی است که متوالی باشد. از این رو، ختم‌ها و دعاهایی که چهل بار خواندن آنها توصیه شده است، وقتی مؤثر می‌شود که این عدد در یک مجلس باشد (جعفری، ۱۳۷۶: ۴/۲۰۳).

اربعین در حدیث

در روایات نیز می‌توان معانی متعددی را برای اربعین جستجو کرد:

۱. حضرت آدم علیه السلام پس از خوردن از درخت ممنوعه، چهل روز گریه کرد (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۲/۴۲۶/۶).

۲. آدم علیه السلام بعد از هبوطش به زمین در فراق بهشت و مرگ فرزندش هابیل چهل روز گریست (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱/۱۶۲، ۴۴).

۳. پس از نزول عذاب بر قوم نوح، به مدت چهل شبانه‌روز باران شدیدی بارید (پیدایش: ۱۲/۷).

۴. مهلتی که به فرعون برای بازگشت داده شد، چهل روز بوده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۴۸۹/۲؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۱۱/۵۳۹).
۵. حضرت داود و سلیمان، چهل روز گریستند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳/۹۵/۱۴؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۷۴/۵).
۶. کمال رشد انسان در چهل سالگی است (طبرسی، ۱۳۵۹: ۳۹۶/۲۲).
۷. کسی که چهل حدیث حفظ کند، در روز جزا دانشمند محشور می شود (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۳/۲).
۸. یکی از نشانه‌های مؤمن این است که به زیارت اربعین برود (طوسی، ۱۳۶۵: ۱۱۳؛ مفید، ۱۴۱۳: ۵۳/۱)، که برخی نیز آن را به زیارت چهل مؤمن در روز گرفتند.
۹. برخی روایات مراحل تکامل جنین (نطفه، علقه و مضغه...) را دوره چهل روزه بیان می کنند (کلینی، ۱۴۰۷: ۷/۱۶/۶، ۴/۱۳/۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۱/۳۴۴/۶۰؛ صفی علی شاه، ۱۳۷۸: ۲۱).
۱۰. بعضی نیز دوره شکل گیری گل آدم ﷺ را چهل روز بیان می کنند (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۷/۲).
۱۱. روایاتی نیز از بقای چهل روزه تأثیر خوراکی و آشامیدنی در بدن یاد می کنند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۲/۴۰۲/۶؛ برقی، ۱۳۷۴: ۳۲۹/۲).
۱۲. برخی روایات از جاری شدن حکمت بر زبان در صورت اخلاص برای خدا یا مصرف غذای حلال است. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «هر کس چهل روز (نیت، خوراک، زهد) خود را برای خدا خالص گرداند، چشمه های حکمت از قلب و درونش می جوشد و برزانش جاری می شود» (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۳۲۱/۶۹/۱؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۶/۱۶/۲؛ غزالی، بی تا: ۱۲۰/۱؛ عراقی، ۱۴۲۶: ۱۷۴۷/۱، ۱۵۷۶، ۵۳۶؛ حلی، ۱۴۰۷: ۲۳۲؛ قرائتی، ۱۳۷۴: ۱۶۴/۳).
۱۳. کسی که چهل روز دعای عهد بخواند، از یاوران امام زمان ﷺ به شمار می رود (مشهدی، ۱۴۱۹: ۶۶۳؛ ابن طاووس، ۱۴۱۷: ۴۵۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۱/۹۵/۵۳). امام صادق ﷺ فرمود: «هر کس چهل صبح «دعای عهد» بخواند از یاوران قائم ما باشد و اگر پیش از ظهور آن حضرت، بمیرد خداوند او را از قبر بیرون آورد تا در خدمت آن حضرت

باشد» (قمی، ۱۳۸۶: ۵۳۹)؛ البته این آثار مقید است به اینکه اعمال و رفتار دیگر او درست و مطابق موازین شرع باشد؛ زیرا انسان باید با حقیقت این دعا انس داشته باشد تا بتواند با خدای خود عهد کند (رضوانی، ۱۳۹۰: ۵۰۳).

۱۴. استحباب آب ریختن بر روی قبر اختصاص به زمان دفن دارد، جز آنکه امام رضا علیه السلام توصیه فرمودند که تا چهل ماه یا چهل روز آب ریختن بر روی قبر ادامه پیدا کند (حر عاملی، ۱۳۶۷: ۱۳۶۳/۱۹۷/۳-۶).

۱۵. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از نزول آیه تطهیر، تا چهل روز مقابل خانه صدیقه طاهره علیها السلام می ایستاد و سلام می کرد (طوسی، ۱۳۸۸: ۴۴۷/۵۵۲).

۱۶. خداوند با ابتلاء مؤمن اجازه نمی دهد که آثار گناه در وجودش در چهل روز باقی بماند (کراجکی، ۱۴۱۰: ۶۳).

۱۷. تا چهل روز، نماز شراب خوار و حرام خوار و غیبت کننده مقبول نیست (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۲/۴۰۱/۶-۱؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۶۳۲؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۱۶۳/۴؛ ترمذی، ۱۳۹۵: ۲۹۰/۴؛ طبرانی، ۱۴۱۵: ۱۱۷/۱؛ ۳۱۱/۶؛ طبرسی، ۱۳۶۵: ۱۸/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۵۸/۹۳؛ شعیری، ۱۲۶۷: ۱۴۹).

۱۸. احتکار آذوقه مردم و یا اسباب موسیقی در مدت چهل روز موجب بیزاری خداوند از محتکر و باعث دوری از رحمت خدا و وارد شدن در دایره سخط خدا بیان شده است (بروجردی، ۱۴۱۵: ۶۶/۱۸؛ حکیم، ۱۴۱۶: ۳۰۳/۱؛ مستغفری، ۱۳۸۵: ۲۴).

۱۹. مصرف گوشت در چهل روز پی در پی سبب قساوت قلب می شود، و عدم مصرف مستمر آن در مدت چهل روز نیز موجب ضرر رساندن به بدن شمرده شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۳۰۹/۶؛ برقی، ۱۳۷۴: ۴۶۵/۲؛ ابن بسطام، ۱۳۷۵: ۱۳۹).

۲۰. زمین، چهل روز با مرگ مؤمن می گیرد (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۸/۱؛ صابونی، ۱۴۰۲: ۳۰۳/۲).

۲۱. برخی روایات تأکید دارند که آسمان تا چهل روز بر حسین بن علی علیه السلام و یحیی بن زکریا گریسته است (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۹۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۰/۴۵).

زیارت سیدالشهداء در روز اربعین از نشانه های ایمان و از مختصات شیعه است. امام حسن عسکری علیه السلام آن را به عنوان شعار و علامت شیعه ذکر کرده اند. چنانچه سر بر

خاک گذاردن، و بسم الله را بلند گفتن، و نوافل را طبق دستور ائمه معصومین علیهم السلام به جای آوردن، و انگشتر در دست راست کردن نیز از آن جمله است.

اربعین در منابع فرهنگی و تاریخ

الف) چهل در شاهنامه: سیندخت چهل تخت دیبای زرین جواهرنشان به عنوان جهیزیه به رودابه داد. رستم هنگام جنگ با اکوان دیو، ۴ پهلوان را می کشد. داراب چهل جاثلیق را می کشد، و ۱۰۰ هزار شمش چهل مثقالی خراج از روم می گیرد. انوشیروان نیز، در خواب نردبانی چهل پله می بیند که از حجاز برآمده و جهان را منور ساخته است.

ب) چهل در زمان (چهل روز جنگیدن یا چهل سال عبادت کردن): حاتم، چهل سال از میوه مکه نخورد. بشر حافی ۴۰ سال آرزوی بریان داشت و ۴۰ روز در زندان بود. جنگ اردوان و اردشیر ۴۰ روز طول کشید. دوران حمل، ۷ دوره ۴۰ روزه است که طی آن، به کمال می رسد؛ در روم قدیم نیز دوره قرنطینه کشتی های تازه وارد ۴۰ روز بوده و اساساً واژه قرنطینه از «کورانتین» یونانی و به معنای چهل گرفته شده است. در متون پیش از اسلام نیز آمده است که نطفه کیومرث ۴۰ سال در زمین ماند. خداوند برای آنکه موجودی کامل بسازد، به مدت ۴۰ سال گِل انسان را سرشت. در متون مقدس نیز عدد ۴۰ حضور بارز دارد، به خصوص در تورات که صبغه بابلی تقدس این عدد را بیشتر نشان می دهد. در عهد عتیق ۴۰ به معنای یک نسل بوده است. در زمان یونس علیه السلام امتحان نینوا ۴۰ روز طول کشید. مقدس اردبیلی چهل سال، گرد فعل مباح هم نگشت چه رسد به مکروه و حرام (کرباسیان، ۱۳۹۸).

یافته ها و بحث

در این جستار به برخی از مصادیق اخلاق عرفانی در اربعین حسینی اشاره می شود تا الگویی برای جامعه بشری، به ویژه پیروان اباعبدالله الحسین علیه السلام باشد.

۱) ماهیت سلوکی مراسم اربعین

مراسم اربعین از آغاز تا انتها ماهیتی سلوکی دارد، یعنی فردی که از ابتدای مسیر،

ترک خانه و کار و دیار کرده تا به عشق امام حسین علیه السلام در این مراسم شرکت کند، مقامات عرفانی را از تجلیه آغاز می‌کند تا به وصال یا بقاء فی المعشوق برسد:

مرحله اول، تجلیه است، چنانچه فرمودند: «إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي»، توجه نفس و بیدار کردن آن نسبت به معشوق (صفی پوری، ۱۳۹۶: ذیل واژه تجلیه). این توجه، در عرفان به «وقت» نیز مشهور است (اسماعیلی، ۱۳۹۰: ۱۷۸).

مرحله دوم، تخلیه است. «وَعَلَيْكَ خَلَّفْتُ أَهْلِي وَمَالِي وَمَا حَوَّلْتَنِي» (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۳۰۹/۱)، ترک خانواده و دارایی انسان که همان تهی ساختن درون از وابستگی‌ها است.

مرحله سوم، تخلیه شامل آراستن خود به زیورهای اخلاقی است. فرد در طی برگذاری مراسم اربعین با تفکر و تدبیر و توجه به مضامین ادعیه ماثور و اذکار و اتفاقات روز عاشورا و پس از آن، علی الخصوص ایجاد حس همدردی بیشتر با اهل بیت ایشان در طی مسیر نجف تا کربلا، سعی بر ایجاد انس و الفت بین خود و خاندان وحی کرده و آثار تخلق به اخلاق آنان در حرکات و سخنان او خودنمایی می‌کند، چه خود مسیر نیز این ویژگی را دارد و به انسان القاء می‌کند.

مرحله چهارم، فناء و بقاء است. فرد در رسیدن به این جایگاه آثار وجودی خود را از جمله سخن و حرکات لغو را کنار گذاشته و متخلق به آثار وجودی معشوق می‌شود که برخی حدّ اعلی آن را اتحاد عاشق و معشوق بیان کرده‌اند (صنایعی، ۱۳۸۸: ۱۸۸). فرد در رسیدن به کربلا، پس از طی این مراحل، و پس از طی مراحل سیر و سلوک خود، به مقدار سعی و استعداد و ظرفیت خود، اغلب هنگام رسیدن به حرم مطهر، از خود بی‌خود شده و جز ابا عبدالله الحسین علیه السلام چیزی نمی‌بیند، و هر چه هست اوست. این حالت ممکن است برای همه رخ نداده یا از چند ثانیه تا چند دقیقه در آن حال استقرار یابد، ولی برای برخی، به صورت حال دائم و قائم یا همان مقام درآمده و ایشان به مقام فناء فی الله و بقاء بالله می‌رسند (اسماعیلی، ۱۳۹۰: ۱۷۸).

۲) تجلی آیه اخلاص

اربعین حسینی، مراسمی است که هرساله افراد، از سراسر دنیا برای برگذاری آن در

نجف و کربلا حاضر می‌شوند. مردم در این مراسم زائر و یا خدمت‌رسان هستند. زائران، اغلب مسافرانی هستند که به عشق بزرگداشت اباعبدالله الحسین علیه السلام به زیارت ایشان می‌شتابند، خدمت‌رسانان نیز اغلب مجاوران یا موکب‌داران هستند که از این جمعیت چند ده میلیونی پذیرایی می‌کنند. برخی افراد، بخشی از درآمد سالشان را برای خدمت به زائران حسینی در مراسم اربعین اختصاص می‌دهند، برخی خانه‌های خود را در این ایام به استراحتگاه زائران اختصاص می‌دهند، که عشق و اخلاص واقعی را می‌توان اینجا یافت، زیرا هیچ پول و خدماتی در مقابل آن دریافت نمی‌کنند. زائران هم همینطور مبالغی را هزینه سفر کرده تا به زیارت بیایند، بدون اینکه پول و خدماتی دریافت کنند، بلکه باید هزینه و زمان نیز صرف کنند. این خود بزرگترین تجلی عشق و اخلاص است که شاید تنها جایی که مثال آن را بتوان دید، در عشق مادر به فرزندش باشد. اخلاص در قرآن کریم فراوان بیان شده است، تا جایی که پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور به خالص گرداندن دین خود برای پروردگار می‌شود «قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ» (زمر/۱۱). از این رو مراسم اربعین تجلی آیه اخلاص «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءً» (بینه/۵) است. تمام یا قریب به اتفاق افرادی که در این مراسم شرکت می‌کنند مسلمان هستند، ولی توحیدی بودن یک مراسم، به توحیدی بودن هدف و انگیزه شرکت در آن است. افرادی که در این مراسم شرکت می‌کنند، به عنوان زائر یا خدمت‌رسان، هدف و انگیزه‌شان الهی و به عشق سالار شهیدان است.

۳) تبلیغ ولایت

ولایت یعنی پذیرش حکم روایی خدا و اولیایش بر جامعه بشری. ولایت یکی از فضایل اخلاق عرفانی است که در قیام حسینی و پیاده‌روی اربعین بارز است. امام حسین علیه السلام با پذیرش ولایت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله، بر عدالت الهی پافشاری کرده و با نافذ کردن حکم خدا، برای دفاع از حق و عدالت قیام کرد. او همچنین با پذیرش ولایت ائمه علیهم السلام، برای نجات اسلام و بشریت محفوظ نگه داشتن آن، جان و مال و فرزندان خود را فدا کرد. زائران اربعین نیز با پذیرش ولایت خدا و اولیایش، به زیارت سیدالشهداء علیه السلام می‌روند. آنها با عشق و اطاعت به امام حسین علیه السلام، برای نصب العین دیدن قبر او، همه

مشقات را تحمل می‌کنند. همچنین با پذیرش ولایت ائمه علیهم‌السلام، برای تبلیغ اسلام و نشان دادن مقاومت در برابر ظلم، شجاعت و صبر خود را به رخ می‌کشند. راهکارهای دستیابی به ولایت، عبارت ایمان به خدا و پذیرش توحید؛ ایمان به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و پذیرش نبوت؛ ایمان به ائمه علیهم‌السلام و پذیرش امامت؛ ایمان به مؤمنان و پذیرش برادری؛ ایمان به صالحان و پذیرش تقوا است.

۴) تجلی آیه محبت

عشق دلبستگی قلبی و روحانی به خدا و اولیای او است. عشق نیز یکی از فضایل اخلاق عرفانی است که در قیام حسینی و پیاده‌روی اربعین محوری مهم است. امام حسین علیه‌السلام با عشق به خدا و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، همه جان و مال و فرزندان خود را فدا کرد و با عشق شهادت را پذیرفت. زائران اربعین نیز با عشق به امام حسین علیه‌السلام و ائمه علیهم‌السلام، همه جان و مال و زمان خود را در راه زیارت صرف می‌کنند و با شور و شوق، مقامات مختلف را طلب می‌کنند. راهکار دستیابی به عشق، یاد و ذکر خدا و اولیاء او و مطالعه سیره آنها است. یکی از مؤلفه‌های اخلاق عرفانی، عشق به ولایت است. چیزی جز محبت نمی‌تواند زائر را خالصانه در این مراسم با جان و دل شرکت دهد. اینها مصداق قومی هستند که خدا در قرآن فرمود: «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ؛ خداوند در آینده جمعیتی را می‌آورد، که آنها را دوست دارد و آنها (نیز) او را دوست دارند» (مائده/۵۴). آنها علی علیه‌السلام و شیعیان او هستند (کوفی، ۱۴۰۴: ۱/۱۲۳). مراسم اربعین بزرگترین جلوه و تجلی آیه محبت است.

۵) تجلی آیات سیر و سیاحت

خداوند در چهارده آیه به سیر و سیاحت با هدف «عبرت‌گیری از سرنوشت مجرمان، مکذبان، پیشینیان» (نمل/۶۹؛ آل عمران/۳۷؛ روم/۴۲) و «جهت بیداری دل‌ها» (حج/۴۶) و «درک معاد» (عنکبوت/۲۹) دستور فرموده است. مراسم اربعین خود سیر و سیاحتی است که مصداق تام آیات سیر است. همچنین با توسل به امامان معصوم علیهم‌السلام دلش از خواب غفلت رهایی پیدا می‌کند، و همواره به یاد معاد و آخرت است، زیرا امید به

شفاعت اباعبدالله الحسین علیه السلام در آخرت دارد.

۶) پذیرش با قلب و جان

متخلق شدن به اخلاق و قبول با قلب و جان، از مؤلفه‌های اخلاق عرفانی است. زائرانی که نتوانستند در واقعه کربلا حضور داشته باشند و به ندای «هل من ناصر ینصرنی» اباعبدالله الحسین علیه السلام پاسخ دهند، امروز با شرکت در بزرگداشت آن روز (اربعین)، خود را به ساحت مقدس معشوق، عرضه می‌دارند و با ندای «یا لیتنا کتفا معک فنفور فؤراً عظیماً» (مطهری، ۱۳۸۹: ۵۹۸/۲۳) بیان می‌دارند که کاش بودیم و شما خانواده وحی را یاری می‌دادیم. ایشان لیبیک گویان وارد حائر مقدس شده و ندای لیبیک یا حسین را از عمق جان سر می‌دهند. عاشقان اباعبدالله الحسین علیه السلام سعی می‌کنند خود را به اخلاق اهل بیت علیهم السلام متخلق کنند. آنان درس شجاعت، درستکاری، وفا و از خود گذشتگی را از مولای خود با جان آموخته، و بدین وسیله سعی می‌کنند به معشوق خود نزدیک‌تر شوند. ایشان قلباً مفاد ادعیه مأثور از جمله «بأبی أنتم و أممی و أهلی و مالی و أسرتی» (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۶۰۹/۲) را نه تنها با قلب بلکه با روح خود می‌آلایند.

۷) پویایی و حرکت

«إِنَّ لِقَاتِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا». در واقعه شهادت اباعبدالله الحسین علیه السلام، حرارتی در دل‌های مؤمنان ایجاد می‌شود که هرگز خاموش نمی‌شود، اینکه سالیانه، مراسم اربعین حسینی تکرار می‌شود، خود بزرگترین دلیل پویایی آن است. هر سال میلیون‌ها نفر در این مراسم شرکت می‌کنند که نه تنها در حدی ثابت نمی‌ماند، بلکه همواره در حال افزایش است.

۸) اجتماع مؤمنان با محور ولایت

اجتماع عاشقان اباعبدالله الحسین علیه السلام، مردم مختلف را حول محور خود چنان جمع کرده که گویی آنان برادرانی خونی هستند. زائران، خادمان و تمام اقشاری که با اخلاص در این مراسم خدمت می‌کنند، همه بیانگر اتحاد حول محور واحد است. این افراد به مثابه تکه‌های یک کل هستند که با محبت و عاطفه به هم و با هم برای بزرگداشت



امام علیه السلام، گرد هم آمده و به بزرگداشت این روز می پردازند تا مبدا اتفاقات عاشورا کمزنگ شود. خداوند کریم، مؤمنان را برادر یکدیگر خوانده و فرمود: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات/۱۰). به نظر می رسد پس از داستان مهاجرین و انصار، بزرگترین تجلی این برادری، در اربعین جلوه گر است. چه افرادی که با خانه های خود از زائران پذیرایی می کنند و چه افرادی که با تأمین ضرورت های سفر، خالصانه به برادران دینی خود خدمت می کنند. اباعبدالله الحسین علیه السلام تجلی سوره فجر (بحرانی، ۱۳۸۹: ۹۷/۱۷) و صاحب نفس مطمئنه است. تجلی آیه قرآن، مانند قرآن هدایتگر است. از این باب ایشان عامل هدایت اقشار بشر به صورت عام هستند.

۹) توبه و بازگشت به حضرت حق

توبه پشیمانی از گناهان و رفتارهای نادرست و قصد جدی برای اصلاح خود است. توبه نیز در قیام حسینی و پیاده روی اربعین مورد توجه است. امام حسین علیه السلام با دعوت به توبه، همه مردم را به سوی خدا و راستی فراخواند و حتی در روز عاشورا، برخی از سپاه یزید مانند حرّ توبه کردند، به صف امام علیه السلام پیوستند. زائران اربعین نیز با دعوت به توبه، همه مردم را به سوی خدا و پاکسازی از گناهان دعوت می کنند و حتی در راه زیارت، برخی از گناهکاران توبه می کنند و به صف نیکان ملحق می شوند. راهکار دستیابی به توبه، قبول گناهان و استغفار و عزم برای جلوگیری از تکرار آنها است.

۱۰) زهد و ورع

زهد و پرهیزگاری، انواع زیادی دارد که بالاترین حدّش، ورع، به معنای توقف هنگام شبهه است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۶۰/۲). به این منظور که وقتی صحت چیزی را نمی دانیم، وارد نشویم و توقف کنیم. برای نمونه هنگامی که راستی سخنی را نمی دانیم و یا از کیفیت چیزی باخبر نیستیم، آن حرف را بیان نکنیم و حکم به کیفیت آن ندهیم. این ورع و پرهیز در آخرین حدّ خود و از مؤلفه های اخلاق عرفانی است. زائر اباعبدالله الحسین علیه السلام از هر آنچه در عشق به معشوق و تخلق به آداب او، ممکن است وی را دور کند، دوری می کند، حتی اگر نداند فعلی یا حکمی یا حرفی، چه اثری در عشق به

معشوق خود دارد، از آن پرهیز کرده و خود را به اشتباه نمی‌اندازد.

۱۱) صبر، استقامت و تسلیم

صبر تحمل گرفتاری‌ها و مصائب با استقامت و شکیبایی و از مولفه‌های اخلاق عرفانی است. امام حسین علیه السلام و یارانش با صبر و استقامت، همه آزمایش‌ها و سختی‌های کربلا را پشت سر گذاشتند و با شجاعت در راه خدا جان فشانی کردند. زائران اربعین نیز با صبر و شکیبایی، همه مشقات راه زیارت را تحمل می‌کنند و با عشق به سیدالشهداء علیه السلام در این مسیر عشق وارد می‌شوند. راهکار دستیابی به صبر، تذکر و درک نعمت‌ها و حکمت‌های الهی است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: صبر بر سه قسم است: صبر در مصیبت؛ صبر بر طاعت و صبر از گناه، که میان هر درجه به اندازه فاصله میان قعر زمین تا پایان عرش است (کلینی، ۱۳۶۹: ۱۵/۱۴۵/۳). تمام سه قسم صبر، بر زائران اباعبدالله الحسین علیه السلام صادق است. ایشان کسانی هستند که بر مصیبت واقعه کربلا و شام صبر می‌کنند تا منتقم آن بیاید، همچنان بر انجام طاعت الهی صبر می‌کنند و آنها را از حلال و حرام و با سختی‌های خودش انجام می‌دهند، و از گناهان دوری کرده تا مورد محبت معشوق خود واقع شوند. حضرت زینب علیه السلام در بالاترین مقام صبر قرار دارند (ما زیات الا جمیلا) (مفید، ۱۴۱۳ الف: ۱۱۵/۲).

۱۲) توکل

توکل یعنی اعتماد به خدا و سپردن کارها به او که در قیام حسینی و پیاده‌روی اربعین به نمایش گذاشته شده است. امام حسین علیه السلام با توکل به خدا و بدون ترس از دشمنان، برای دفاع از حق و عدالت قیام کرد. زائران اربعین نیز با توکل به خدا و بدون توجه به مشکلات و خطرات، برای زیارت سیدالشهداء علیه السلام مراسم اربعین حسینی را برگزار می‌کنند. راهکار دستیابی به توکل، شناخت زائر نسبت به امام، تقوای الهی و عمل به فرامین او است که اگر شناخت او کامل شود، زیارت او مقبول می‌شود. زائر اباعبدالله الحسین علیه السلام از اول مسیر خود، بر خدا توکل کرده، خانه و مال و زندگی خود را رها کرده و جان خویش را برداشته تا به زیارت امام حسین علیه السلام بشتابد. این خود یکی از بزرگترین

مصدق توکل است که فرد در زندگی خود می‌تواند انجام دهد، چنانچه در زیارت نامه معصومان علیهم‌السلام آمده: «اللَّهُمَّ إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي وَعَلَيْكَ خَلَّفْتُ أَهْلِي وَمَالِي وَمَا حَوَّلْتَنِي» (قمی، ۱۳۸۶: ۳۰۵).

۱۳) رضا

رضایت به مشیت الهی، از مهم‌ترین مؤلفه‌های اخلاق عرفانی است. زائرینی که در شرایط دشوار بدون هیچ ترسی از حکومت دوران، مراسم را به پا داشتند و راضی به رضای حق و دل در مسیر می‌دادند و پا در مسیر می‌نهادند. راه دستیابی به رضا، توکل است.

۱۴) ذکر دائم

زائران اربعین، در طی مسیر خود، طبق آداب زیارت، از سخن لغو و بیهوده پرهیز کرده و همواره در تفکر و ذکر به سر می‌برند (قمی، ۱۳۹۴: ۹۶). از این‌رو، ذکر، باعث حضور قلب و تقرب وی به خدا و یقین به ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌شود (کلینی، ۱۳۶۵: ۳۶/۱).

۱۵) حبّ و بغض برای خدا

حبّ و بغض برای حق، در زائران اربعین حسینی دیده می‌شود، زیرا امام حسین علیه‌السلام را برای خدا دوست دارند و دشمنان‌شان را برای او دشمن می‌دارند. چنانچه در زیارت ایشان نیز چنین اقراری می‌کنند: «يَا اَعْبُدِ اللّٰهَ اِنِّي سِلْمٌ لِمَنْ سَاَلَمَكَمْ وَ حَزْبٌ لِمَنْ حَاَزَبَكَمْ» (طوسی، ۱۴۱۱: ۷۷۲/۲) که محوریت حبّ و بغض او، ابا عبد الله الحسین علیه‌السلام است. این محبت با بیان «مَنْ أَحَبَّهُمَا فَقَدْ أَحَبَّنِي، وَمَنْ أَحَبَّنِي فَقَدْ أَحَبَّ اللّٰهَ؛ هر که حسنین را دوست بدارد، مرا دوست داشته است» (ابن حیون، ۱۴۰۹: ۱۰۷/۳)، به محبت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم منتهی می‌شود. البته حب رسول بدون حب اولاد حقّه ایشان معنایی ندارد کما اینکه امام رضا علیه‌السلام فرمودند: که از آباء طاهریم و ایشان از خاتم النبیین و ایشان از جبرائیل و ایشان از حضرت حق تعالی نقل کردند که: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي بِشَرُوطِهَا وَأَنَا مِنْ شَرُوطِهَا؛ لاله‌الله حصار من است پس هر که در

حصار من داخل شود از عذاب من ایمن باشد، با شروط آن و من از جمله شروط آنم» (ابن بابویه، ۱۳۹۴: ۲۳/۲۵/۱). لذا شناخت و شرط قبول امام و ولایت ایشان مهم است و گرنه حب الله، بدون حب ولیّ خالی از مؤلفه هدایت است.

۱۶) روحیه سپاسگزاری و شکر

شکر قدردانی از نعمت‌های خدا و استفاده صحیح از آنها و از فضایل اخلاق عرفانی و مشهود در قیام حسینی و پیاده‌روی اربعین است. امام حسین علیه السلام با شکرگزار بودن، همه نعمت‌های الهی را در راه خیر و برکت به کار گرفت و حتی در لحظات سخت، خدای خود را حامد دانست. زائران اربعین نیز با شکرگزار بودن از خدا، همه نعمت‌های الهی را در راه زیارت به کار می‌گیرند و حتی در لحظات دشوار، خدای خود را مَنَّان می‌دانند. راهکار دستیابی به شکر، فهم و یاد نعمات الهی و عمل به وظایف خداوند است.

نتیجه

پژوهش حاضر به مؤلفه‌های اخلاق عرفانی در اربعین حسینی پرداخته است. پس از قرآن کریم و سنت، «اربعین حسینی»، یکی از مهمترین خاستگاه‌های اخلاق عرفانی است. تبلیغ ولایت، نماد بندگی، تجلی آیه محبت، تجلی آیات سیر و سیاحت، تخلق به اخلاق الهی، پویایی و حرکت، اجتماع مؤمنان با محور ولایت، اُخُوّت و برادری در محشر اربعین، توبه و بازگشت به حضرت حق، زهد و ورع، صبوری و استقامت، توکل، رضا، ذکر دائم، حبّ و بغض برای خدا، شاکر بودن و نظایر آنها از جمله مؤلفه‌های اخلاق عرفانی برآمده از اربعین حسینی است. خاستگاه برپایی مراسم اربعین در ماه صفر، شاید از روایت «علامات المؤمن» از امام صادق علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام باشد که ذیل آن، زیارت اربعین را از علامات مؤمن برشمردند. عدد چهل در سیر و سلوک به سوی خدا دارای اسراری است. خلوص قلب و اخلاص عمل و جوارح در چهل شبانه‌روز و پرهیز از لغزش و گناه، سبب صفای روح و بهره بردن از فیوضات معنوی خواهد شد. زیارت سید الشهداء علیه السلام در روز اربعین از نشانه‌های ایمان و از مختصات شیعه است.

امام حسن عسکری علیه السلام آن را به عنوان شعار و علامت شیعه بیان فرموده‌اند. تمام یا قریب به اتفاق افرادی که در این مراسم شرکت می‌کنند مسلمان هستند، ولی توحیدی بودن یک مراسم، به توحیدی بودن هدف و انگیزه شرکت در آن است. افرادی که در مراسم اربعین شرکت می‌کنند، به عنوان زائر یا خدمت‌رسان، هدف و انگیزه‌شان، الهی و به عشق سالار شهیدان است و تجلی این عشق واحد در اربعین، باعث تحول در برخی از غیر مسلمانان شده، و موجب توجه ایشان به اسلام گردید. وجه افتراق حب الهی در اقشار مختلف، مولفه ولایت است که موجب هدایت می‌شود. برخی از مسلمین، اهل بیت علیهم السلام را قبول ندارد یا تعدادی از ایشان را قبول دارند، ایشان حب الله را دارند، ولی بهره‌ای از هدایت نیافتند، زیرا خداوند فرموده است: هر کس از خدا و رسولش پیروی کند به فوز عظیم می‌رسد (احزاب/۷۱) و اطاعت از رسول یعنی قبول امر ایشان در بحث ولایت، لذا وجه افتراق هدایت یافتن، نداشتن حب و بغض (به ساحت مقدس ۱۴ معصوم) نیست (فرقه زیدیه و اسماعیلیه). ولایت اهل بیت علیهم السلام باعث هدایت عام اقشار می‌شود که اربعین بزرگترین تجلی عشق به ولایت است. اباعبدالله الحسین علیه السلام صاحب نفس مطمئنه و تجلی آیات پایانی سوره فجر هستند؛ تجلی آیه قرآن، مانند قرآن هدایتگر است، از این باب ایشان عامل هدایت عامه اقشار بشر هستند.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن بابویه، ابی جعفر محمد بن علی (۱۴۰۴)، عیون أخبار الرضا (ع)، به کوشش حسین الاعلمی، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲)، الخصال، به کوشش علی اکبر غفاری. قم، جامعه مدرسین.
- _____ (۱۳۸۵)، علل الشرائع، به کوشش محمد صادق بحر العلوم، قم، مکتبه الداوری.
- _____ (۱۳۹۴)، متن و ترجمه توحید ابن بابویه، به کوشش خلیل الله مسائلی. قم،

- مركز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.
- ابن بسطام، عبدالله (۱۳۷۵)، طب الأئمة عليهم السلام، به کوشش محمد مهدی خراسان. نجف، المطبعة الحیدریة.
- ابن حیون، نعمان بن محمد (۱۴۰۹)، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، به کوشش محمد حسینی جلالی قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- ابن طاووس، سید علی بن موسی (۱۴۱۷)، مصباح الزائر، قم، موسسه ال بیت احیاء التراث.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶)، کامل الزیارات، عبدالحسین امینی، نجف، دار المرتضویه.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۳۷۶)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، به کوشش محمد جعفر یاحقی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- اسماعیلی، مسعود (۱۳۹۰)، اصطلاحات عرفان اسلامی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- اکوانی، عباس (۱۳۹۹)، «بررسی تأثیر راهپیمایی اربعین حسینی در ترویج فرهنگ حسینی و تمدن شیعی»، نخبگان علوم و مهندسی، ص ۱۳۸-۱۳۱.
- الهی منش، رضا و سعید حضوری (۱۳۹۶)، «اخلاق عرفانی قرآن با تاکید بر دیدگاه علامه طباطبایی»، پژوهشنامه عرفان، شماره ۱۷، ص ۶۶-۴۵.
- امانت حسین، خان محک فاطمه (۱۴۰۱)، «فلسفه اربعین حسینی، زیارت و پیاده روی»، گفتمان اندیشه، شماره ۹، ص ۳۲-۱۸.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۳۸۹)، ترجمه تفسیر روایی البرهان، تهران، نهاد کتابخانه های عمومی کشور.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۴)، المحاسن، به کوشش جلال الدین محدث، تهران، دارالکتب الإسلامية.
- بروجردی، سید حسین طباطبائی (۱۴۱۵)، جامع أحادیث الشيعة فی أحكام الشريعة، به

- کوشش اسماعیل معزی ملایری. قم، نشر الصحف المطبعه المهر.
- بروجردی، سید محمد ابراهیم (۱۳۶۶)، تفسیر جامع، تهران، کتابخانه صدر.
- بلاغی، عبدالحجه (۱۳۸۶)، حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر، قم، چاپخانه حکمت.
- پاک نیا تبریزی، عبدالکریم (۱۳۸۸)، «پیام اربعین در زیارت اربعین»، مبلغان، شماره ۱۲۴، ص ۲۵-۱۴.
- ترمذی، محمد بن عیسی (۱۳۹۵)، الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی، به کوشش احمد محمد شاکر، مصر، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي.
- جعفری مراغی، یعقوب (۱۳۷۶)، تفسیر کوثر، قم، مؤسسه انتشارات هجرت.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۴۰۰)، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، قم، نشر اسراء.
- حاکم نیشابوری (۱۴۱۱)، المستدرک علی الصحیحین، به کوشش مصطفی عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۳۶۷)، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
- حسینی همدانی، محمد (۱۳۸۰)، انوار درخشان در تفسیر قرآن، تهران، کتابفروشی لطفی.
- حکیم، سید محمد تقی (۱۴۱۶)، حواریات فقهیه وفق فتاوی سماحة آية الله العظمی الفقیه السید محمد سعید الطباطبائی الحکیم، بیروت، مؤسسه المنار.
- حلی، جمال الدین (۱۴۰۷)، عدة الداعی و نجاح الساعی، بیروت، دار الکتب العربی.
- درودیان، محمد جواد (۱۳۹۷)، «منظر معنوی رویداد پیاده‌روی اربعین حسینی»، منظر، شماره ۴۵، ص ۶۵-۵۶.
- رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۷)، تفسیر قرآن مهر، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- رضوانی، علی اصغر (۱۳۹۰)، موعودشناسی و پاسخ به شبهات، قم، مسجد مقدس جمکران.
- رودگر، محمد جواد (۱۳۹۷)، «ماهیت و مؤلفه‌های اخلاق عرفانی»، حکمت اسلامی، شماره ۴، ص ۲۰۲-۱۷۷.

- شعیری، محمد بن محمد (۱۲۶۷)، جامع الاخبار، نجف، المطبعة الحیدریه.
- صابونی، محمد علی (۱۴۰۲)، مختصر تفسیر ابن کثیر، بیروت، دار القرآن الکریم.
- صفی علی شاه، محمد حسن بن محمد باقر (۱۳۷۸)، تفسیر قرآن صفی علی شاه، تهران، منوچهری.
- صفی پوری، عبدالرحیم بن عبدالکریم (۱۳۹۶)، منتهی الارب فی لغة العرب، به کوشش امید مجد، تهران، امید مجد.
- صنایعی، علی (۱۳۸۸)، «نغیر مولوی گوهر مثنوی (بررسی تطبیقی مساله «اتحاد عاشق و معشوق» در مثنوی و حکمت متعالیه)»، همایش بین المللی اندیشه های جهانی مولانا جلال الدین محمد بلخی، رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۸)، ترجمه تفسیر المیزان، محمد باقر موسوی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرانی، ابوالقاسم (۱۴۱۵)، المعجم الأوسط، به کوشش طارق بن عوض الله بن محمد و عبد المحسن بن ابراهیم الحسینی، قاهره، دار الحرمین.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۳۵۹)، ترجمه تفسیر مجمع البیان، تهران، فراهانی.
- _____ (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۶۵)، مکارم الاخلاق، به کوشش ابراهیم میرباقری، تهران، فراهانی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵)، تهذیب الأحکام، به کوشش حسن خراسان و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- _____ (۱۴۱۱)، مصباح المتهدجد، به کوشش علی اصغر مروارید و ابوذر بیدار، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه.
- _____ (۱۳۸۸)، ترجمه امالی شیخ طوسی، به کوشش صادق حسن زاده، قم، اندیشه هادی.
- عراقی، ابوالفضل زین الدین عبد الرحیم بن الحسین (۱۴۲۶)، المغنی عن حمل الأسفار

- فی الأسفار، فی تخریج ما فی الإحیاء من الأخبار، مطبوع بهامش إحياء علوم الدين، بیروت، دار ابن حزم.
- عربی، حسینعلی (۱۳۹۸)، «پیاده روی اربعین حسینی؛ جایگاه و کارکردها»، معرفت، شماره ۲۶۲، ص ۵۴-۴۵.
- غزالی، ابی حامد محمد بن محمد (بی تا)، احياء علوم الدين، به کوشش عبدالرحیم بن حسین حافظ عراقی، بیروت، دارالکتب العربی.
- غفاری هشجین، زاهد و محمد آقایی (۱۳۹۷)، «پیاده روی اربعین حسینی به مثابه جنبش اجتماعی»، دانش سیاسی، شماره ۲۷، ص ۲۱-۱.
- فنائی اشکوری، محمد (۱۳۹۲)، «نظریه عرفانی اخلاق»، رپژوهشنامه اخلاق، شماره ۲۱، صص ۷۷-۶۹.
- قرائتی، محسن (۱۳۷۴)، تفسیر نور، قم، موسسه در راه حق.
- قمی، عباس (۱۳۸۶)، مفاتیح الجنان، ترجمه مهدی الهی قمشه ای، قم، اسوه.
- _____ (۱۳۹۴)، مفاتیح دانشجویی، به کوشش حسن قدوسی زاده، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها. دفتر نشر معارف.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- کاشانی، فتح الله بن شکرالله (۱۳۸۸)، تفسیر خلاصه منهج الصادقین، به کوشش حسن حسن زاده آملی، قم، بوستان کتاب.
- کتاب مقدس (۲۰۰۲م)، انگلستان، تهران، انتشارات ایلام.
- کراجکی، ابی الفتح محمد بن علی (۱۴۱۰)، کنز الفوائد، به کوشش عبدالله نعمه، قم، دار الذخائر.
- کرباسیان، ملیحه (۱۳۹۸)، «چهل»، مرکز بزرگ دائره المعارف، <https://www.cgie.org.ir>
- کوچکیان، طاهره و بهناز پیامنی (۱۳۹۶)، «بازکاوی چله نشینی در ساختار عرفان اسلامی، ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی»، شماره ۴۷، ص ۲۸۳-۲۴۵.

- كوفى اهوازى، حسين بن سعيد (١٤٠٤)، المؤمن، قم، مؤسسة الإمام المهدي.
- مجلسى، محمد باقر (١٤٠٣)، بحار الانوار، تهران، مؤسسة الوفاء.
- مستغفرى، أبو العباس جعفر بن محمد (١٣٨٥)، طبّ النبى، نجف، المكتبة الحيدريه.
- مشهدى، شيخ أبو عبد الله محمد بن جعفر (١٤١٩)، المزار الكبير، به كوشش جواد القيومى، تهران، نشر القيوم مؤسسة النشر الإسلامى.
- مطهرى، مرتضى (١٣٨٩)، مجموعه آثار ط-صدرا، تهران، صدرا.
- مفيد، محمد بن محمد (١٤١٣ الف)، الإرشاد فى معرفة حجج الله على العباد، قم، كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد.
- _____ (١٤١٣ ب)، المزار، محمد باقر ابطحي، قم، كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد.
- مكارم شيرازى، ناصر (١٣٧٤)، تفسير نمونه، تهران، دار الكتب الاسلاميه.
- ملايوسفى، مجيد و صفورا چگينى (١٣٩٥)، «كنكاشى در اخلاق عرفانى امام خمينى (س)»، پژوهشنامه متين، سال هجدهم، شماره هفتاد، ص ١١٣-١٣٦.
- مهدى پور، حسن (١٣٩٥)، «نظريه اخلاق عرفانى عطار نيشابورى»، پژوهشنامه عرفان، شماره ١٥، ص ١٩٢-١٦٥.
- ميبدى، احمد بن محمد (١٣٧١)، كشف الاسرار و عدة الابرار معروف به تفسير خواجه عبدالله انصارى، به كوشش على اصغر حكمت، تهران، اميركبير.
- هلالى، سليم بن قيس (١٤٠٧)، كتاب سليم بن قيس الهلالى، تهران، مؤسسة البعثة، قسم الدراسات الإسلاميه.

